

چیستی فلسفه شکل‌گیری داعش و تأثیر آن بر امنیت ج.ا. ایران

حسین تاج‌آبادی، محمد حیدری^۲

چکیده

از مهمترین تحولات در منطقه خاورمیانه در سال‌های اخیر که تأثیراتی نیز برای جمهوری اسلامی ایران داشته، شکل‌گیری گروه‌های تکفیری یا تروریستی است که ضمن تأثیر بر مبانی امنیتی آنها، امنیت ج.ا. ایران را در ابعاد مختلف آن مورد تهدید قرار داده‌اند. لذا پژوهش حاضر با طرح این مسأله قصد دارد چیستی فلسفه شکل‌گیری داعش و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد. روش تحقیق در این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و مکتب کپنهاگ بعنوان مکتب امنیتی که امنیت را بطور موسع و فراتر از امنیت نظامی، بلکه در ابعاد اجتماعی، سیاسی و بلکه اقتصادی آن مورد توجه قرار می‌دهد بعنوان چارچوب نظری این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است. فرضیه این پژوهش گویای آن است که شکل‌گیری داعش در راستای تأمین اهداف منطقه‌ای ایالات متحده و هم‌پیمانان غربی آن و در راستای سیاست‌های بازیگران محور سازش عربی بوده و شکل‌گیری و افزایش قدرت آن موجب کاهش ضریب امنیت ملی ج.ا. ایران در ابعاد موسع آن گردیده است.

واژگان کلیدی: داعش، جمهوری اسلامی ایران، امنیت ملی، محور مقاومت، محور سازش

^۱ دانشیار، عضو هیأت علمی دانشگاه صنعتی مالک اشتر HT171819@gmail.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، گرایش کنترل تسلیحات، دانشگاه صنعتی مالک اشتر

مقدمه

شکل‌گیری انقلاب‌های مردمی و تحولات سیاسی جهان عرب که کشورهای مختلف منطقه از جمله سوریه را در بر گرفته است، در حال دگرگون ساختن شرایط و ترتیبات سیاسی، امنیتی، ساختار قدرت و موازنه قوا در منطقه جنوب غرب آسیا است. با سقوط سران حکومت‌های اقتدارگرا و طرفدار غرب در تونس، مصر و یمن، موازنه قدرت در منطقه جنوب غرب آسیا به زیان محور محافظه‌کار عرب و بلوک غرب و به سود محور مقاومت رقم خورد. این شرایط جدید، اسباب نگرانی بازیگران رقیب ایران را فراهم کرد و آنها متحد با هم، وارد بازی براندازی نظام سیاسی سوریه، به منزله قلب ژئواستراتژیک محور مقاومت شدند. از این‌رو، همه‌جانبه به اشکال گوناگون رسانه‌ای، مالی و تسلیحاتی از معارضان نظام سیاسی سوریه حمایت می‌کنند. آنچه در بحران سوریه مشخص است نگرانی شدید منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و در رأس آنها آمریکا از افزایش نقش و نفوذ ایران در منطقه است. به همین دلیل شاهد نوعی رقابت در جهت تثبیت و افزایش نفوذ میان بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در تحولات داخلی سوریه و همچنین عراق هستیم. از طرفی، با پیدایش گروه تروریستی داعش شاهد شکل‌گیری یک حاشیه امنیتی برای رژیم صهیونیستی می‌باشیم که از طریق ایجاد ناامنی در کشور عراق و بخصوص کشور سوریه بعنوان بازوی یاری‌رسان حزب‌الله لبنان، درگیر کردن محور مقاومت با این گروه تروریستی و از همه مهمتر به خطر افتادن امنیت جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت.

شکل‌گیری و افزایش نفوذ گروه‌های تکفیری در مجموعه امنیتی خاورمیانه در سال‌های اخیر، ثبات و امنیت منطقه خاورمیانه را با چالش‌هایی جدی روبرو ساخته است و بطور مشخص تمامی بازیگران سیاسی و در رأس آنها بازیگران موثر در زیر مجموعه امنیتی محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی ایران را متأثر ساخته است. بدون تردید امنیت بعنوان مهمترین مولفه در مجموعه امنیتی خاورمیانه قابل توجه و بررسی می‌باشد. در این میان تقابل‌های امنیتی شکل گرفته شده در مجموعه امنیتی خاورمیانه، نظم امنیتی حاکم بر این مجموعه امنیتی را دچار چالش نموده است (کریمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۳).

چارچوب نظری

مکتب کپنهاگ بعنوان نگرش فرامردن مطالعات امنیتی بر استقلال مفهومی یا حوزه مطالعاتی (علمی) امنیت تاکید نموده است. باری بوزان بعنوان یکی از پیشگامان منادی استقلال مفهومی امنیت، تلاش کرد مرز میان مطالعات امنیتی با مطالعات استراتژیک را روشن کند. به نظر وی مطالعات استراتژیک صرفاً بر بعد نظامی امنیت تاکید دارد، در حالیکه مطالعات امنیتی بررسی ابعاد غیرنظامی امنیت را مورد توجه قرار می‌دهد (خلیلی، ۱۳۸۵: ۴۸۳). بوزان امنیت را برابر با رهایی از تهدید می‌داند و می‌گوید امنیت در نبود مساله دیگری

به نام تهدید درک می‌شود. از نظر وی، امنیت به توان دولت‌ها و جوامع جهت حفظ هویت مستقل و تمامیت عملی آن مربوط می‌شود. باری بوزان بعنوان یکی از مهمترین اندیشمندان مکتب کپنهاگ، بر این اعتقاد است که امنیت اجتماعات بشری به پنج مقوله تقسیم می‌شود: نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ۱۲۰).

از نقطه نظر نگاه بین‌الادله‌ای به امنیت، برای مکتب کپنهاگ موضوعات از طریق زبان تبدیل به موضوعات امنیتی یا دقیق‌تر تهدید می‌شوند، این زبان است که موضوع بازیگران خاص یا موضوعات را بعنوان تهدیدی وجودی علیه یک جامعه سیاسی خاص بیان می‌کند و در واقع زبان قادر به تفسیر و امنیت‌سازی است (امیدی و مرادی‌فر، ۱۳۹۳: ۱۲۵).

مبانی شکل‌گیری داعش

در بررسی مهمترین عوامل شکل دهنده به جریان داعش، بدون تردید توجه به زمینه‌های تاریخی با علت‌هایی سیاسی مبتنی بر عوامل فکری و عقیدتی بخش قابل ملاحظه‌ای از آن را شکل داده است. درک فعالیت و زمینه‌های تهدید ناشی از فعالیت داعش بدون فهم پیشینه و زمینه‌های شکل‌گیری این گروه امری ناممکن می‌نماید. لذا در ادامه مهمترین زمینه‌های شکل‌دهی به گروه‌های تکفیری و بطور خاص داعش مورد توجه و ^۹ بررسی قرار خواهد گرفت. بر این اساس، در نیمه دوم قرن بیستم عقاید سلفیه تکفیری از حوزه عربستان و مصر خارج شد و بسیاری از کشورهای منطقه خاورمیانه را در نوردید که یکی از بهانه‌های رایج آنها مقابله با اسرائیل تلقی می‌شد. این گروه‌ها در دهه ۱۹۸۰ میلادی برای مقابله با کمونیسم شوروی جان تازه‌ای گرفتند و جبهه واحدی از طریق کشورهای حوزه خلیج فارس همراه با کشورهای غربی بر علیه شوروی شکل دادند. حتی القاعده به رهبری از طالبان توانست در افغانستان به قدرت برسد.

حضور داعش در مجموعه امنیتی خاورمیانه بزرگترین خطر امنیتی ملی برای ایران در چند دهه اخیر به شمار آمده است. گروه‌های تکفیری و بطور خاص داعش در این منطقه دارای چند منظور اصلی می‌باشند: بزرگترین هدف شکستن استراتژی هلال شیعه و ایجاد یک منطقه و حتی کشور سنی‌نشین در مرکز این هلال شیعی و فاصله انداختن بین ایران و جنوب عراق با سوریه و اسرائیل است. از همین زاویه بزرگترین خطر فوری که کشور را تهدید می‌کند، نبودن این سپر و حائل بین ایران و این گروه‌ها در مرز غربی است. یکی از هدف‌های اصلی گروه‌های تکفیری نه رسیدن به دمشق یا حتی بغداد، بلکه رسیدن به مرز ایران و قطع ارتباط کردستان عراق با شیعیان جنوب است.

هرچند در ابتدا داعش، نخستین و مهمترین مشکل جامعه مسلمان را حضور نیروهای غربی به ویژه نیروهای آمریکایی حاضر در عراق و هم‌پیمانان آن از اتحادیه اروپا به خصوص انگلستان می‌دانستند. لیکن بعدها با قوام تدریجی، تطوری اساسی در نظریات و مبانی اعتقادی این گروه‌های تروریستی ایجاد شد و دولت اسد در سوریه و نیز کشورهای عراق، ایران، یمن و غیره متهمان اصلی بحران‌های منطقه تلقی شدند و جهاد علیه این کشورها در صدر سیاست این گروه قرار گرفت. دیگر مشکل اساسی جامعه اسلامی به‌زعم رهبران این گروه، تبیین نشدن صحیح و دقیق احکام و مماشات در اجرای حدود احکام شریعت اسلام است.

داعش برخی مشکلات و معضلات جهان اسلام را وجود عقاید مذهبی، سیاسی، اجتماعی و حتی اقتصادی کفرآمیز و مغایر سنت اسلامی دانسته و به شدت با آن مخالفت و برای از بین بردن آنها اقدام کرده است. دیگر معضل اساسی جهان اسلام در نظر گروه‌های تکفیری، ضعف ساختاری و تربیت نیروهای مجاهد اسلامی در تمام زمینه‌هاست، یکی از نقاط اختلاف مهم میان گروه‌های تندرو تکفیری همانند داعش و سایر گروه‌ها همانند القاعده نیز همین موضوع است. گروه‌های تندرو تکفیری و سلفی با تأکید بر تربیت نیروهای زبده و مبارزه کوتاه مدت سعی در غافلگیری دشمن و وارد کردن ضربات اساسی بر آنان دارد و فقدان نیروهای کارآمد مبارز در عرصه‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی، مهندسی و غیره را از مهمترین معضلات موجود در نظام اداری و ساختاری جهان اسلام قلمداد می‌کنند.

در رابطه با هویت داعش توجه به این نکته ضروری می‌نماید که بخش قابل توجهی از مبانی شکل دهنده به گفتمان سیاسی ایشان، در راستای تقابل با گفتمان شیعی در منطقه قابل تشخیص و تبیین است. بر این اساس شاید بتوان از مهمترین دلایل توسعه نفوذ و افزایش قدرت داعش در مجموعه امنیتی خاورمیانه، تحت تاثیر اندیشه‌های وهابی و سلفی را قدرت‌گیری روزافزون شیعیان منطقه دانست. داعش امروزه حوزه فعالیت‌های خود را در سرزمین‌هایی قرار داده که به نوعی قدرت را در آنجا شیعیان و وابستگان به آنها در اختیار دارند که نمونه آن علویان سوریه به رهبری اسد، شیعیان عراق هستند. از سوی دیگر، داعش، علاوه بر مبارزه با کفار، حکم ارتداد شیعیان و علویان را صادر کرده‌اند و آنها را مهدورالدم خوانده‌اند. در اینباره می‌توان نقش قدرت‌های منطقه‌ای همچون عربستان سعودی را برجسته دید که مرکز ثقل تغذیه کننده ایدئولوژیکی آنها و تامین کننده بخش مهمی از نیروهای تروریستی این گروه‌ها در نظر گرفت که برای مقابله با هلال شیعه در منطقه به اقدامات گسترده‌ای دست زده است (Wallsh, 2013: 5-8).

بدون تردید امنیت بعنوان مهمترین مسئله مورد توجه برای تمامی بازیگران ملی مورد توجه و مذاقه بوده است. در این میان، مجموعه امنیتی خاورمیانه بعنوان یکی از زیر مجموعه‌های امنیتی هشتمانه مورد توجه باری بوزان، بیش از سایر زیر مجموعه‌های امنیتی از بحران امنیت رنج می‌برد و به گفته بوزان، در این منطقه

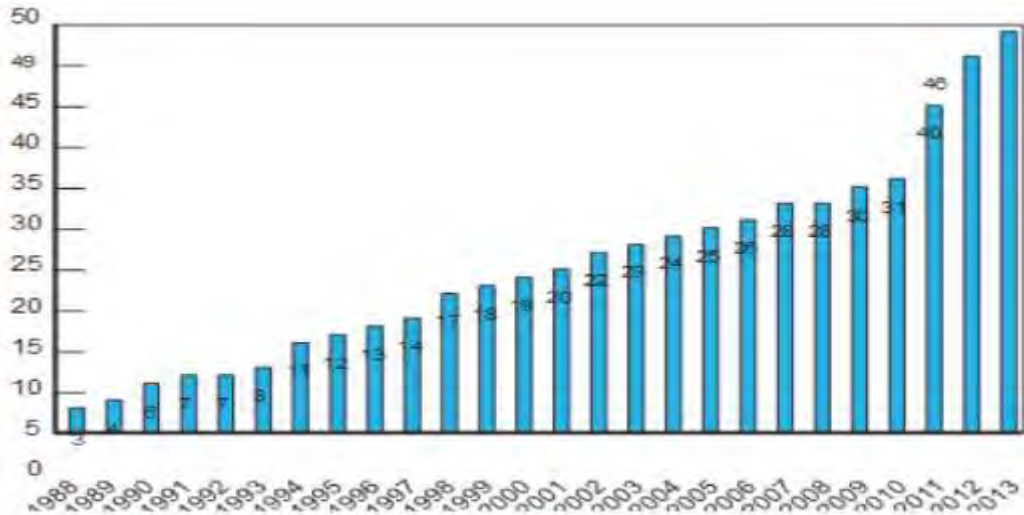
وجود مناقشات مذهبی، قومی، زبانی و غیره موجب بحران‌های مضاعف امنیتی در منطقه خاورمیانه شده است.

از سوی دیگر، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تغییر گفتمان‌های غالب در سیاست خارجی کشورمان، شاهد تغییر رویکرد در سیاست خارجی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران می‌باشیم که منبعت از گفتمان عدالت‌محوری، ظلم‌ستیزی، نفی سلطه غرب و غیره بوده است. لیکن پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد و تغییر معادلات امنیتی در منطقه خاورمیانه شاهد شکل‌گیری دو جریان متعارض (بعنوان دو زیر مجموعه امنیتی) در مجموعه امنیتی خاورمیانه می‌باشیم که امنیت بازیگران موثر در ایشان را متأثر ساخته است. بر این اساس، شاهد شکل‌گیری مجموعه امنیتی محور مقاومت تحت تأثیر اندیشه‌های انقلاب اسلامی ایران و منبعت از باورهای اسلامی-شیعی حاکم بر آن و از سوی دیگر شکل‌گیری محور سازش به رهبری بازیگرانی همچون مصر و امروزه عربستان سعودی هستیم.

از جمله مهمترین عوامل شکل‌گیری داعش و افزایش قدرت آنها در سال‌های اخیر در کشورهای عراق، سوریه و یمن، با حمایت‌های مادی و غیرمادی عربستان سعودی و سایر بازیگران، تحت تأثیر اندیشه‌های وهابیت حاکم بر ایشان، در جهت رقابت‌های منطقه‌ای دو زیر مجموعه محور مقاومت و محور سازش به رهبری جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی بوده است که به شدت چارچوب‌های امنیتی منطقه خاورمیانه را ۱۱ تحت تأثیر قرار داده است. و امنیت جمهوری اسلامی ایران را در ابعاد موسع آن (امنیت سیاسی، نظامی، اجتماعی، اقتصادی) و در نتیجه سیاست خارجی و امنیتی کشورمان را متأثر ساخته است.

بر این مبنا در دهه‌های اخیر خاورمیانه همواره آستان تحولات گسترده و ژرف و کانون بحران‌های گوناگون بوده و جهان را صحنه درگیری‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی کرده است. سلفی‌گری و بنیادگرایی اسلامی که اکنون در خاورمیانه و بیشتر کشورهای اسلامی در حال فعالیت می‌باشد را می‌توان بعنوان مهمترین تحول در سال‌های اخیر مورد توجه قرار داد که همراه با تبدیل شدن سلفی‌گری به جریانی فراگیر و فعال، به ویژه در جریان موج سوم بیداری قابل توجه و بررسی می‌باشد. مطابق نمودار شماره ۱، سلفی‌گری تکفیری از سال ۲۰۱۱، در مقایسه با سال‌های قبل، رشد بی‌سابقه‌ای داشته است (تاجیک و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۶۱).

نمودار) روند افزایش ایجاد گروه‌های تکفیری (۲۰۱۳-۱۹۸۸)



نقش بازیگران فرامنطقه‌ای (محور سازش عربی)

از جمله عوامل تقویت کننده گروه‌های تکفیری، حمایت و سکوت معنادار ایالات متحده آمریکا در قبال فعالیت‌های تروریستی گروه‌های تکفیری می‌باشد. هرچند آمریکا جسته و گریخته به محکوم کردن گروه‌های تکفیری و فعالیت‌های آنان اقدام کرده است، اما در راستای ریشه‌کنی تروریسم گروه‌های تکفیری و در رأس آن داعش در سوریه و عراق کوچکترین اقدامی انجام نداده است (Carey & Others, 2014: 5). از سوی دیگر سقوط دیکتاتورهای منطقه که به نوعی هم‌پیمانان رسمی آمریکا و قدرت‌های منطقه‌ای بودند، عامل دیگری است که در تاسیس و قوام داعش موثر بوده است. بی‌گمان سقوط هم‌پیمانان استراتژیک ترکیه یعنی اخوان المسلمین و مرسی، حسنی مبارک و روابط حسنه وی با سعودی‌ها، سقوط صدام و خلاء روانی بعثی‌ها، حضور گسترده شیعیان منطقه در قالب حزب‌اله (حزب‌اله لبنان، حزب‌اله سوریه، حزب‌اله عراق، حزب‌اله یمن و غیره) خلثی محسوس در این زمینه ایجاد می‌کرد که تاسیس گروه‌های تکفیری و تروریستی همچون داعش و ناآرامی‌های آنها دست‌کم از چند جانب می‌توانست مفید و موثر باشد:

الف) گسترش نامنی‌ها یقیناً حضور نیروهای فرامنطقه‌ای همچون ایالات متحده را به بهانه‌های مبارزه با تروریسم و غیره در منطقه توجیه خواهد کرد.

ب) گسترش بیش از پیش خشونت‌ها و عملیات نظامی گروه‌های تکفیری، فروش تسلیحات به این گروه‌های تروریستی را بسیار افزایش داده است، بنحویکه آمریکا، فرانسه و برخی دیگر از هم‌پیمانان غربی این گروه‌ها،

بیشترین تسلیحات خود را در همین مدت کوتاه در اختیار این گروه‌ها قرار داده و سودهای سرشاری را نصیب خود کرده‌اند.

ج) دستیابی گروه‌های تکفیری به منابع زیرزمینی همچون چاه‌های نفت عراق و سوریه، نه تنها اقتصاد این گروه‌های تروریستی- تکفیری را با ارقام سرسام‌آور بهبود بخشیده است، بلکه نیازهای نفتی کشورهایی مانند ترکیه و رژیم اشغالگر قدس را نیز به خوبی تامین و تطمیع کرده است (Prusher, 2014: 18).

شاید بتوان از مهمترین دلایل توسعه نفوذ و افزایش قدرت گروه‌های تکفیری در مجموعه امنیتی خاورمیانه، تحت تاثیر اندیشه‌های وهابی و سلفی را قدرت‌گیری روزافزون شیعیان منطقه دانست. گروه‌های تکفیری امروزه حوزه فعالیت‌های خود را در سرزمین‌هایی قرار داده‌اند که به نوعی قدرت را در آنجا شیعیان و وابستگان به آنها در اختیار دارند که نمونه آن علویان سوریه به رهبری اسد و شیعیان عراق هستند. از سوی دیگر، گروه‌های تکفیری فعال در منطقه خاورمیانه و در رأس آنها داعش، علاوه بر مبارزه با کفار، حکم ارتداد شیعیان و علویان را صادر کرده‌اند و آنها را مهدورالدم خوانده‌اند. در اینباره می‌توان نقش قدرت‌های منطقه‌ای همچون عربستان سعودی را برجسته دید که مرکز ثقل تغذیه‌کننده ایدئولوژیکی آنها و تامین‌کننده بخش مهمی از نیروهای تروریستی این گروه‌ها در نظر گرفت که برای مقابله با هلال شیعه در منطقه به اقدامات گسترده‌ای دست زده است (Wallsh, Ibid: 5-8).

۱۳

افزایش قدرت محور مقاومت تحت تاثیر جمهوری اسلامی ایران و اندیشه‌های شیعی انقلاب اسلامی بی‌گمان حکومت‌های محافظه‌کار و سازش‌پذیر عربی را در چارچوب محور سازش تحت تاثیر قرار داده است. این امر به سبب تفاوت‌های هویتی (مذهبی، قومی و فرهنگی) سبب تلاش محور سازش به رهبری عربستان سعودی برای تقابل با قدرت‌گیری محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی ایران گردیده است. لذا با شکل‌گیری و تقویت جریان‌های تکفیری (وهابی-سلفی) به رهبری عربستان سعودی، قطر و هم‌پیمانان ایشان، محور سازش تلاش‌های بسیاری را در جهت تضعیف و انزوای محور مقاومت به عمل آورده است.

ترس از قدرت‌یابی شیعیان (محور مقاومت) در منطقه خاورمیانه، در مواضع سیاسی حکام عرب و فتواهای علمای وهابی و رهبران القاعده نمود یافته است. فتوای حرمت کمک به حزب‌اله در جنگ ۳۳ روزه توسط علمای الازهر و مفتی‌های عربستان و نیز نگرانی شاه اردن از شکل‌گیری هلال شیعی با محوریت جمهوری اسلامی ایران بیانگر وحشت پنهان رژیم‌های عرب از این واقعیت (افزایش قدرت محور مقاومت) است. لذا عربستان و سایر بازیگران محور سازش با تهدید نشان دادن جمهوری اسلامی ایران و سایر بازیگران محور مقاومت، به‌خصوص سوریه و نیز حزب‌اله لبنان در چند سال اخیر بر علیه امنیت ملت‌های سنی‌نشین عرب منطقه، به دنبال سازماندهی نیروهای تکفیری در سوریه، عراق و نیز لبنان و به انزوا کشاندن محور مقاومت

و بازوهای آن در منطقه بوده‌اند. این امر بدون تردید بیش از هر چیز امنیت و بقاء اسرائیل را سبب گردیده است. تضعیف و محدودسازی فضای امنیتی محور مقاومت در نتیجه فعالیت‌های محور سازش به رهبری عربستان سعودی بدون تردید شرایط مطلوبی را برای اسرائیل به خصوص در شرایط پس از شکست این رژیم در جنگ‌های ۳۳ روزه و ۲۲ روزه رقم زده است. تقابل محور سازش و نیز محور مقاومت بدون تردید ضمن تضعیف این دو، امنیت و بقاء اسرائیل را تقویت نموده است.

لذا عربستان سعودی، قطر و دیگر بازیگران محور سازش از حامیان اصلی تسلیح و تجهیز نیروهای مخالف سوری و داعشی‌ها در عراق به شمار می‌آیند تا بتوانند قلب محور مقاومت را نابود نمایند و با قدرت‌گیری گروه‌های سلفی و وهابی در منطقه، حداقل فرصت بهره‌برداری امنیتی را از ایران بازستانند. بر همین اساس، یوسف قرضاوی که ریاست اتحاد جهانی علمای اسلام را برعهده دارد اعلام کرد: «علویان و نصیرییه کافرتر از یهود و نصارا هستند». وی همه مسلمانان عالم را به رفتن به سوریه و جنگ در مقابل نظام سوریه فراخواند. همچنین این مفتی تکفیری، حزب‌الله را «حزب الشیطان و الطاغوت» خواند (گلشنی و سهرابی، ۱۳۹۳: ۱۰۳).

داعش و امنیت جمهوری اسلامی ایران

۱۴ بررسی محیط استراتژیک و ماهیت معادلات امنیتی در تعیین اهداف ملی هر کشوری اولویت دارد. از اینرو، محیط امنیتی خاورمیانه همواره منافع ملی و تهدیدهای امنیتی ایران را تعریف می‌کند. پس از سال ۲۰۰۳ و سقوط رژیم بعث در عراق در نتیجه حمله آمریکا به آن کشور و شکل‌گیری خلاء امنیت در این کشور، در نتیجه افزایش فعالیت گروه‌های تکفیری و نیز پس از شکل‌گیری منازعات داخلی در سوریه و تضعیف رژیم اسد در نتیجه فعالیت‌های گروه‌های تکفیری، تاثیر مسائل داخلی و نیز مسئله امنیت در این دو کشور برای جمهوری اسلامی ایران فزونی یافته است. این مسئله به دلیل همجواری و نیز اهمیت راهبردی عراق و نیز سوریه برای جمهوری اسلامی ایران و اهمیت استراتژیک آنها برای پیشبرد اهداف مجموعه امنیتی محور مقاومت از اهمیت بالایی برخوردار بوده است. همچنین جنبش‌های اسلامی شکل گرفته شده در یمن و خروج حکومت دست‌نشانده سعودی از دیگر عواملی به شمار می‌رود که سبب ورود و فعالیت داعش تحت تاثیر باورهای سلفی، در این کشور را سبب شده است و جبهه‌بندی‌های جدیدی را در منطقه موجب گردیده است که امنیت جمهوری اسلامی ایران را متاثر و لزوم اتخاذ راهبردهایی نوین در قبال ایشان را سبب شده است. باتوجه به نگاه ساختارگرایانه مکتب امنیتی کپنهاگ، ناامنی‌های شکل گرفته شده در مجموعه امنیتی خاورمیانه و در مناطق پیرامون جمهوری اسلامی ایران، امنیت کشورمان را در ابعاد نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مورد تهدید قرار داده است (Aghazadeh, 2015: 5).

۱- داعش و امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران

امنیت نظامی بعنوان برداشت کلاسیک از امنیت، همواره مورد توجه بازیگران ملی و امنیت ملی تا پیش از این با امنیت نظامی قرین بوده است. بحران‌های رخ داده در منطقه بالکان بعد از جنگ سرد نیز نتوانست از اهمیت این بعد از امنیت بکاهد. لیکن سبب پذیرش سایر ابعاد امنیت همانند امنیت سیاسی و اقتصادی و نیز امنیت اجتماعی در کنار امنیت نظامی بود (Adler, 2008: 13).

از جمله نقات قوت داعش، برخورداری از لجستیک نظامی قوی است. این امر با حمایت وهابیت سعودی و سایر کمک‌های خارجی و نیز با تصاحب منابع زیرزمینی و فروش آن ممکن گردیده است. داعش در عراق با به چنگ‌آوری نفت کرکوک و درآمدهای حاصل از آن، به سلاح‌هایی چون موشک‌های زمین به زمین پیشرفته دست یافت. و نیز تهیه سامانه ضد هوایی سوپرهاگ از ترکیه نمونه دیگری از توانمندی نظامی داعش به شمار می‌آید (شیرودی، ۱۳۹۴: ۵).

در واقع داعش جزء ثروتمندترین سازمان‌های تروریستی جهان به شمار می‌رود که با فروش نفت، مالیات و غنیمت‌های بانکی و محلی ارتزاق کرده و به صورت تصاعدی تبدیل به ثروتمندترین سازمان تروریستی شده است و این امر به ویژه با تصرف شهرهایی همچون موصل و ضبط منابع مالی و همچنین تصرف شماری از چاه‌های نفت شمال عراق و منابع درآمدزا در خاک سوریه و نیز یمن شدت یافته است، از این رو این ثروت ۱۵ بادآورده توان مالی کافی به این گروه می‌دهد تا بتواند از طریق غیرقانونی به تسلیحات متعارف و حتی نامتعارف دست پیدا کند (گلستان، ۱۳۹۴: ۲).

داعش می‌کوشد خود را به مرزهای ایران نزدیک کند. هدف آنان از این نزدیکی، ایجاد هراس و ایجاد دغدغه فراوان برای مردم و دولت ایران است. آنان با ادعای دسترسی آسان به سلاح و برخورداری از توان نظامی در تلاش‌اند تا حیطه عمل جمهوری اسلامی را کاهش دهند که این عمل با حمایت سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی غرب، اسرائیل و برخی کشورهای منطقه در جهت کاهش نفوذ جمهوری اسلامی ایران و بازیگران محور مقاومت صورت می‌پذیرد. اینگونه تهدیدات، ابعاد نظامی امنیت جمهوری اسلامی ایران و در نتیجه امنیت ملی کشورمان را با مخاطره مواجه ساخته است. تهدیداتی که علاوه بر تهدید نظامی از درون کشورهای همسایه همچون عراق و سوریه، سبب تهدید نظامی جبهه مقاومت اسلامی گردیده است.

از جمله این تهدیدات می‌توان به حملت خرداد ۱۳۹۶ تهران به ساختمان مجلس شورای اسلامی و حرم امام خمینی (ره) در ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ (۷ ژوئن ۲۰۱۷ میلادی) در تهران اشاره نمود که امنیت نظامی کشورمان را با تهدید روبرو ساخت.

۲- داعش و امنیت سیاسی ج.ا.ایران

تهدیدات سیاسی متوجه ثبات سازمانی دولت است. هدف از تهدید سیاسی ممکن است از فشار بر حکومت در مورد سیاست خاصی گرفته تا واژگونی حکومت، جدایی طلبی و برهم زدن بافت سیاسی دولت برای تضعیف آن پیش از تهاجم نظامی، متفاوت باشد. چون دولت اصولاً موجودیتی سیاسی است، تهدیدات سیاسی امکان دارد به همان اندازه تهدید نظامی هراس‌انگیز باشند (بوزان، ۱۳۹۰: ۲۱).

از آنجا که گروه‌های تکفیری و در رأس آنها داعش درکنار آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی، دشمن غیرعقلانی شیعه و محور مقاومت به شمار می‌روند و فعالیت‌های تروریستی آنها باعث بی‌ثباتی در ژئوپلیتیک شیعه می‌شود، برخی از مهمترین تهدیدات سیاسی این گروه‌های تکفیری علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران عبارتند از تضعیف شیعیان، منحرف کردن بیداری اسلامی و چرخش توازن قدرت به سمت رژیم غاصب صهیونیستی و محور سازش (تاجیک و دیگران، ۱۳۹۳: ۹۴).

۳- داعش و امنیت اجتماعی ج.ا.ایران

مفهوم امنیت اجتماعی در پی توسعه تحلیل‌های جدید امنیتی و پس از جنگ سرد در اروپا مطرح شد. این مفهوم نخست بعنوان یک رویکرد مفهومی به وسیله گروه مستقلی از محققان در موسسه تحقیقات صلح کپنهاگ توسعه پیدا کرده است (Bilgin, 2003: 211). بعد اجتماعی امنیت به معنای بازخوانی آن از لحاظ کیفیت حیات اجتماعی، هویت و هنجارهاست (Chena, 2008: 32).

بر همین اساس، تهدید داعش تنها به ابعاد سیاسی و نظامی محدود نگشته و امنیت اجتماعی جمهوری اسلامی ایران و باورهای منبعث از آن را نیز مورد تهدید قرار داده است. بی‌تردید از منظر تاثیرگذاری داعش بر افکار عمومی در اجتماع، شاهد پدیده‌های کم‌نظیر بوده‌ایم. سیاست بهره‌گیری از رسانه‌های جدید و شبکه‌های اجتماعی نظیر فیسبوک، توئیتر و مجله‌ای با همین عنوان در سطح جهانی، تکیه بر اصل «شبکه دایق» تلگرام و انجام حملات برق‌آسا، انجام اقدامات خشن و رعب‌آور، قائل بودن به نوعی رسالت الهی و نوعی بازگشت‌ناپذیری مذهبی، چندرگه بودن هویت اعضاء و ایجاد ظرفیت‌های جذب بین‌المللی، فراملی بودن ایده‌ها و اندیشه‌های آنها موجب شده است که سیر رشد آنها تصاعدی شود (اشرف نظری و السمیری، ۱۳۹۴: ۷۹).

۴- داعش و امنیت اقتصادی ج.ا.ایران

فروش نفت خام توسط گروه‌های تکفیری همچون داعش در بازار سیاه نه تنها بر درآمد نفتی ایران تأثیرگذار است، بلکه همچنین به خودکفایی آنها کمک می‌کند و منابع مالی کافی برای جذب نیروی انسانی بیشتر و

انجام حملات آبی در اختیار این جریان تکفیری قرار می‌دهد. از سوی دیگر یکی از مسائل برجسته در این بزنگاه، بحث امنیت انرژی است امنیت انرژی یکی از چالش‌های جدید مسائل امنیتی است که با پیشرفت اقتصاد جهانی و افزایش نیاز به منابع انرژی و سوخت‌های فسیلی، انتقال آنها بسیار مهم است. تهدید جریان انرژی، منجر به تهدید اقتصاد ملی کشورهای وابسته به نفت می‌شود. مقابله با چالش‌های احتمالی تهدید امنیت منابع نفتی و خطوط انتقال آن و حفاظت از منابع انرژی و راه‌های مواصلاتی یکی از ضروریات امنیت اقتصادی است (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۳۰).

۵- داعش و امنیت زیست محیطی ج.ا. ایران

تهدید زیست محیطی امنیت ملی، همانند تهدیدات نظامی و اقتصادی به پایگاه مادی دولت لطمه می‌زند و شاید تا جایی پیش رود که ایده دولت و نهادهای آن را تهدید کند. از لحاظ سنتی به تهدیدات زیست محیطی بگونه‌ای نگریسته می‌شد که گویا اتفاقی هستند و به ندرت رخ می‌دهند و بخشی از شرایط طبیعی زندگی‌اند؛ بیشتر از آنکه بتوانند در دستور کار امنیت ملی قرار گیرند، به سرنوشت مربوط هستند. این بخش شامل تلاش انسان ضد محیط زیست و طبیعت است (بوزان، پیشین: ۱۵۶).

در حوزه امنیت زیست محیطی باید اذعان داشت که گروه‌های تکفیری باتوجه به روند طغیان‌وار بی‌قید و شرط، قابلیت ایجاد تهدید و آسیب‌های فراوان در عرصه زیست محیطی را دارا می‌باشند. بعنوان نمونه آنچه که از داعش نسبت به تخریب بی‌سابقه آثار باستانی، اماکن شاخص و مذهبی و سایر نقاط شهر بعنوان سابقه ماندگار برجای مانده است، حاکی از جدی بودن این تهدید خطرناک است. حتی به نظر می‌رسد که تهدیدات بیولوژیکی و بیوتورویسمی داعش نیز دور از تصور نخواهد بود. اگرچه بیشترین آسیب‌های گروه‌های تکفیری متوجه کشور عراق و سوریه است اما بدون تردید این اقدامات بر محیط زیست ایران اثرگذار خواهد بود؛ برای مثال، بی‌تردید حضور گروه‌های تکفیری در مناطق مرز مشترک ایران و عراق تمامی اقداماتی را که می‌تواند منجر به تثبیت خاک شود، زیر سوال می‌برد و نتیجه آن، افزایش ریزگردها در ایران خواهد بود. آنچه در خصوص تهدیدات احتمالی گروه‌های تکفیری در حوزه زیست محیطی ایران، البته در صورت بالفعل شدن این تهدید در جغرافیای سرزمینی ایران، می‌توان پیش‌بینی کرد، عبارتند از: تأثیرات منفی بر آب و هوای کشور؛ متروکه شدن و رها شدن زمین‌های کشاورزی و باغداری؛ تخریب و انفجار سدها و بروز فاجعه‌های محیطی و انسانی، و آلودگی آب‌های روان و سفره‌های آب زیرزمینی. مواردی که می‌تواند آسیب‌های جدی به ساختارهای بنیادین و حیاتی یک کشور وارد نماید (احمدی فشارکی و اسماعیل‌زاده امامقلی، ۱۳۹۵: ۱۳۷).

نتیجه‌گیری

پیدایش و تقویت گروه‌های تکفیری و بطور خاص داعش در منطقه خاورمیانه، پس از حمله آمریکا به عراق و نیز در نتیجه بهار عربی و در خلاء امنیت ناشی از آن چارچوب‌های امنیتی مجموعه امنیتی خاورمیانه را دچار چالش نموده است. این امر بخصوص با رقابت‌های شکل گرفته شده در این مجموعه در غالب مجموعه امنیتی محور مقاومت و تقابل آن با محور سازش به سرکردگی عربستان سعودی قابل تامل و توجه می‌باشد. با افزایش حوزه فعالیت داعش در عراق، سوریه و نیز یمن ابعاد موسع امنیتی جمهوری اسلامی ایران، بعنوان بازیگر تعیین کننده در مجموعه امنیتی محور مقاومت با چالش‌هایی روبرو گردیده است و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی به خطر افتاده است. لذا این امر لزوم اتخاذ راهبردهای مناسبی از جانب جمهوری اسلامی ایران در غالب راهبردهای سیاسی و امنیتی را می‌طلبد که نه تنها مستلزم شناخت کافی و وافی از این پدیده می‌باشد بلکه راهبردهای منطقه‌ای و بین‌المللی، بلکه سیاست داخلی متناسب با آن را طلب می‌نماید.

فهرست منابع

۱۸ فارسی:

- ۱- احمدی فشارکی، حسنعلی و اسماعیل‌زاده امامقلی (۱۳۹۵)، «داعش و امنیت ایران با تکیه بر مکتب کپنهاگ»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، س ۵، ش ۱۸.
- ۲- اشرف نظری، علی و السمیری، عبدالعظیم (۱۳۹۴)، «بازخوانی هویت دولت اسلامی در عراق و شام (داعش)»، فصلنامه علوم سیاسی، س ۱۷، ش ۶۸.
- ۳- امیدی، علی و مرادی‌فر، سعیده (۱۳۹۳)، «برسازی امنیتی فعالیت هسته‌ای ایران»، فصلنامه پژوهشی سیاست جهانی، دوره ۳، ش ۴.
- ۴- بوزان، باری (۱۳۹۰)، مردم، دولت‌ها و هراس، مترجم: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۵- تاجیک، هادی و دیگران (۱۳۹۳)، «گفتمان حاکم بر شکل‌گیری و فعالیت‌های داعش براساس نظریات اسپرینگز-تیلی»، فصلنامه آفاق امنیت، س ۷، ش ۲۳.
- ۶- خلیلی، رضا (۱۳۸۵)، «تبارشناسی مطالعات امنیتی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، س ۹، ش ۳۳.
- ۷- شیرودی، مرتضی (۱۳۹۴)، «مدل راهبردی (SWOT) در تحلیل بحران رفتار سیاسی داعش، جمهوری اسلامی ایران و راه‌های برون‌رفت»، فصلنامه پژوهش‌های سیاست اسلامی، س ۳، ش ۸.

- ۸- طباطبایی، محمدجواد (۱۳۹۳)، «تحول مفهوم امنیت در ناتو پس از جنگ سرد براساس مکتب کپنهاگ»، **فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن**، س ۵، ش ۱۴.
- ۹- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۹)، **نظریه‌های امنیت**، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۱۰- کریمی، ابوالفضل و همکاران (۱۳۹۶)، **سیاست خارجی رژیم صهیونیستی و محور مقاومت**، تهران: انتشارات شاپرک سرخ.
- ۱۱- گلستان، مسلم (۱۳۹۴)، «چالش‌ها و فرصت‌های ظهور داعش بر ایران»، **فصلنامه دیپلماسی ایران**.
- ۱۲- گلشنی، علیرضا و سهرابی، حمیدرضا (۱۳۹۳)، «نقش جمهوری اسلامی در قیف ژئوپلیتیک غرب آسیا»، **فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی**، ش ۱۸.

لاتین:

- 1- Adler, East (2008). The Spread of Security Communities: Communities of in Revue Asylon. No.4.
- 2- Aghazadeh, Khoei (2015). Iran's Security and the Islamic State.
- 3- Bilgin, Pinar (2003). *Individual and Societal Dimensions of Security*. Bilkent University Turkey. Department of International Relation.
- ۱۹ 4- Carey, Glen and Others (2014). Financing Jihad: Why ISIS Is a Lot Richer Than Al-Qaeda. *Bloomberg News*. 26 June.
- 5- Chena, Sily (2008). L' E Cope De Copenhaguen Relations Internationales.
- 6- Prusher, Ilene (2014). What the ISIS Flag Says About the Militant Group. *Time*. 9 September.
- 7- Wallsh, David (2013). Syrian Alliance Strategy in the Post-Cold War Era: The Impact of Unipolarity. *London: University Press*. Vol.37. No.2.



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی